

# آماده ساختن زمین انقلاب

هیچ انقلاب و تحولی در جهان بدون یک دوران "انتظار سازنده" تحقق نیافته است، دورانی که به مردم آگاهی کامل دهد و زمینه‌های فکری و اخلاقی و اجتماعی را مساعد سازد.

قبل از هر چیز باید این اشتباه را از خود دور کنیم که برنامه قیام مصلح بزرگ جهانی برای "گسترش و تعمیم اصول آزادی و عدالت" در همه جا بر محور "اعجاز" دور می‌زند، و همه پیروزیها، پیشرفت‌ها، دگرگونیها، تحولها و انقلاب همه‌جانبه‌اش عموماً شکل معجزه و جنبه استثنائی دارد.

نه هرگز چنین نیست، آنها که گمان می‌کنند آن مصلح بزرگ و چندتن‌از یاران‌ش بیا می‌خیزند و دنیائی را که هیچگونه آمادگی برای حکومت واحد عادلانه جهانی ندارد، یک شبه بایک "دم مسیحائی" آماده می‌کند، و برق آسا عناصر غیر قابل اصلاح را نابود می‌سازد، و همچنین به طور خارق العاده و برق آسا آنچنان رشد فکری و اخلاقی به باقیمانده مردم جهان می‌دهد که همگی در زیر پرچم حق و عدالت جمع می‌شوند و گلستانی به جای خارستان کنونی جایگزین می‌شود، چنین کسانی بدون شک در اشتباهند.

مگر سایر پیامبران الهی در اصلاحات خود چنین برنامه‌ای را داشتند که از آخرین مصلح بزرگ چنان انتظاری را داشته باشیم؟

مگر نوح پیامبر برای اصلاح و تربیت حدود ۸۰ نفر ، صدها سال زحمت

بکشید؟

مگر شخص پیامبر اسلام (ص) برای تحقق بخشیدن به انقلاب تکاملی اسلام از همه اسباب طبیعی و امکانات موجود و فراهم ساختن زمینه‌ها و تربیت "رهبران گروه" و "نفرات و اتحاد" استفاده نمی‌کرد؟!

مگراو در یک میدان نبرد - مانند همه رزمندگان جهان - هیچیک از محاسبات و نقشه‌های مفید و موثر مانند حفر خندق ، قراردادن سربازان نیرومند در سنگرهای حساس ، اخفای کامل اسرار جنگی ، فرستادن افراد ناشناس برای آگاهی از اسرار و نقشه‌های دشمن را از نظر دور می‌داشت؟

مگر مصلح بزرگ جهانی یک استثناء در عالم خلقت است؟!

بنابراین نباید تردید کرد که او نیز تا آنجا که امکان دارد از عوامل و اسباب طبیعی استفاده می‌کند. و امدادها و کمک‌های خاص و خارق العاده الهی مخصوص به مواردی است که تلاشها و کوششها از طرق طبیعی به جایی نرسد ، البته پس از استفاده از همه زمینه‌های مساعد ، یا مساعد کردن زمینه‌های نامساعد ، اگر کار به بن بست کشید کمک‌های خدائی بن بست را درهم می‌شکند .

باتوجه به این اصل اساسی روشن می‌شود که ما هم اگر در انتظار چنان تحول و انقلابی هستیم باید برای فراهم ساختن زمینه آن از هیچ کوشش و تلاشی مضایقه نکنیم .

بنابراین یک "منتظر راستین" علاوه بر آماده ساختن خود ، برای فراهم ساختن زمینه ها نیز از همه فرصتها استفاده می‌کند .  
حالا ببینیم راه آماده شدن زمینه‌ها چیست؟

xxxxxx

### طرق فراهم ساختن زمینه‌های انقلاب

گرچه تحقق چنان انقلابی ، همچون زمینه‌های مساعد آن ، در نظر کسانی که برنامه‌هایشان برای همان روزی که در آن زندگی می‌کنند ، تهیه شده ، و از آینده‌نگری لازم بهره‌ای ندارند ، جزء مسائل ذهنی است نه عینی ، اما با توجه به سرعت تحولاتها

و انقلابها و ابعاد وسیع آن در عصر ما به چنین آینده‌ای باید امیدوار بود  
 علاوه همانطور که سابقا هم اشاره کردیم در این بحث هدف اثبات امکان این  
 انقلاب نیست بلکه ( فعلا ) تنها سخن از آثار روانی و اجتماعی چنین انتظاری است که  
 آیا حرکت آفرین است یا مخدر؟  
 به‌رحال برای فراهم ساختن زمینه چنین انقلابی باید از دو سلسله عوامل  
 استفاده کرد :

۱- عوامل نفی‌کننده : یعنی عواملی که مردم جهان را از وضع نابسامانی که در آن  
 هستند و شرایط ناگواری که از نظر اصول عدالت اجتماعی بر دنیا حکومت می‌کند ،  
 آگاه و در نتیجه متنفر و بیزار سازد .

این موضوع در عصر ما مخصوصا با توجه به ارقام و آمار گویایی که از چگونگی  
 بی‌عدالتیها ، تبعیضا ، مسابقات تسلیحاتی ، جنایتها ، اعتیادهای مرگبار ، شکنجه‌ها  
 و کشت و کشتارها در دست داریم کار مشکلی نیست و از این راه و از راههای موثر  
 دیگر به خوبی می‌توان مردم جهان را از وضع نابسامان و خطرناکی که با آن دست به  
 گریبانند آگاه ساخت ، و روح تنفر و بیزاری از این شرایط و اوضاع را در آنها دمید .

۲- عوامل اثبات‌کننده : یعنی عواملی که مردم را برای پذیرش اصول چنان حکومتی  
 آماده می‌سازد .

در قسمت اول " مخصوصا عکس‌العملهای فزاینده ظلم و فساد و ناراحتیها و  
 بن‌بستهای ناشی از آن ، عامل مهمی محسوب می‌شود .

سرخوردگی شدید از وضع کنونی دنیا که زائیده اتکای بیش از حد روی  
 جنبه‌های " مادی " زندگی ، و فراموش کردن جنبه‌های معنوی و انسانی است تدریجا  
 مردم جهان را نسبت به آینده این اوضاع بدبین و از آن مایوس می‌سازد ، و ایس  
 بدبینی جو مساعدی برای قبول چنان حکومتی را فراهم خواهد ساخت .

بنابراین هر قدر ما واقعیات تلخ امروز جهان را بهتر بشناسیم و بهتر برای  
 دیگران تشریح کنیم ، مسلما به آماده شدن زمینه‌ها کمک کرده‌ایم .

در " قسمت هوم " باید آموزش بی‌گیر و موثری در سطح جهانی در باره  
 چنین برنامه‌ای انجام گیرد تا عناصر قابل اصلاح زمینه، فکری مساعدی برای این انقلاب  
 جهانی پیدا کند ، و در برابر عناصر غیر قابل اصلاح نیز اتمام حجتی انجام گرفته  
 باشد و به این ترتیب صفوف دوطرف از یکدیگر مشخص گردد .

قابل توجه اینکه در اخباری که در بعضی از منابع اسلامی وارد شده روی این موضوع تاکید شده است که قبل از قیام آن مصلح بزرگ، هیچ نقطه‌ای از جهان نمی‌ماند مگر اینکه صدای اسلام به آنجا می‌رسد، و برنامه‌های اصلاحی آن بطور موثر در همه‌جا منعکس می‌گردد.

برای نمونه به این حدیث که از امام صادق (ع) نقل شده توجه کنید ستخلوا کوفه من المومنین و یارز عنها العلم کما تارز الحیه فی حجرها ثم یظهر العلم ببلده یقال لها قم و تصیر معدنا للعلم و الفضل حتی لایبقی فی الارض مستضعف فی الدین حتی المخدرات فی الحجال و ذلك عند قرب ظهور قائمنا (ع) . . . فیفیض العلم منه الی سائر البلاد فی المشرق و المغرب فیتم الله حجه علی الخلق حتی لایبقی احد علی الارض لم یبلغ الیه الدین و العلم ثم یظهر القائم (ع)<sup>۱</sup>

این حدیث که در منابعی مربوط به حدود یک هزار سال قبل آمده است چنین می‌گوید: " در آینده شهر کوفه (که آن روز مرکز علم و دانش بود) از مومنان تهی می‌شود، و علم از آن جمع می‌شود آنچنان که مار در لانه خود جمع می‌گردد، سپس علم در شهری به نام "قم" آشکار می‌گردد و معدن دانش و فضل می‌شود تا آنجا که در سراسر زمین کسی باقی نمی‌ماند که مسائل اسلامی را نشنیده باشد، حتی دامنه این تبلیغات به عروسانی که در حمله‌گاہند نیز می‌رسد و این هنگامی است که قیام قائم ما نزدیک می‌گردد . . . و به این ترتیب دانش از این شهر به سایر شهرها در شرق و غرب جهان نشر می‌شود و خداوند بر همه اتمام حجت می‌کند تا بر روی زمین کسی نماند که دین و دانش به او نرسیده باشد، سپس آن مصلح بزرگ قیام خواهد کرد "

در اینجا کار به این موضوع نداریم که اساسا، مخالفان ما این پیشگوئی را در مورد مساله مورد بحث بپذیرند یا نپذیرند، هدف ما این است اگر ما انتظار چنان قیامی می‌کشیم این انتظار طبق حدیث فوق، ما را ملزم به یک انقلاب فرهنگی دامنه‌دار و گسترده از نظر مفاهیم سازنده، اسلامی و آماده سازی مردم جهان برای مبارزه با ظلم

۱- این حدیث در کتاب تاریخ قم بنا به نقل بحار ج ۱۴ ص ۳۳۸ آمده است. کتساب تاریخ قم را در سال ۳۷۸ هجری حسن بن محمد به نام صاحب بن عباد تألیف کرد فعلا عربی آن در دسترس نیست تنها ترجمه فارسی آنکه در قرن ۹ هجری توسط حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک ترجمه شده در دست است.

و ستم می‌نماید .

و چنین انقلابی باید بدست منتظران واقعی صورت گیرد ، و روزی فرا رسد که از مراکز بزرگ علمی ، با نیرومندترین دستگاههای ارتباط جمعی و مجهزترین وسائل تبلیغاتی لزوم چنین رفورمی در سراسر جهان نه فقط تبلیغ بلکه تفهیم گردد . آیا راستی ایمان به چنین مسئولیتی تخذیر کننده است یا حرکت آفرین ؟

xxxxxx

از مجموع بحثهایی که در این زمینه شد چنین نتیجه می‌گیریم که انتظار به مفهوم واقعی کلمه برنامه‌ای است فوق العاده سازنده در تمام زمینه‌ها و هیچ انقلاب اصلاحی در دنیا بدون یک دوران انتظار به شکلی که گفته شد انجام پذیر نخواهد بود و اگر کسانی مفهوم انتظار را درک نکرده‌اند و یا آن را مسخ و تحریف نموده‌اند و نتیجه معکوس گرفته‌اند مقصر فقط آنها هستند ، آنها .

جواد نعیمی

مشهد

## همای رحمت خدا

گشته‌ام ارچنین گنون ، ز لطف توست مادرم  
چونکه توداده‌ای به من ، همه توان و قدرتم  
زهی سعادت من که تو ، بال گشوده بر سرم  
نشسته‌ای به پیش من ، روشنی رر دیده‌ام  
همای رحمت خدا ، گشوده بال خویش را  
بیاکه بوسم از ادب ، جبیه پاک مادرم  
صفای تو صفای من ، نشاط تو نشاط من  
وجود تو دوی من ، از تو گنون توانم  
خدای من ! خدای من ! گشاده کن بروی او  
تمام گنج رحمتت که اوست مادرم !

بادبهار میوزد ، به دیدگان پرنم  
یاد تو دلریای را ، بسته به قلب پرغمم  
نیست بجز سلامت ، ایده و آرزوی من  
بوده‌ای از ازل مرا ، عقده‌گشای مشکلم  
جلوه نمود روی تو خنده زدی بروی من  
من به نشاط روح تو ، چشم به هم نهاده‌ام  
لحظه به لحظه ، گه به گه ، آمده‌ای به دیدنم  
دیده‌ام من به روی تو دیده بهار تازه‌ام  
امید من تویی ، تویی رحمت کردگار من  
شیره جان خویش را ، توداده‌ای به ریشه‌ام